

چهارپاره‌های ایام

رباعی ایام، ایام رباعی

دکتر کاظم محمدی

www.ketab.ir



سرشناسه: محمدی، اکرم، ۱۳۴۰-

عنوان و نام پدیدآور: رباعی ایام، ایام رباعی / ک"م محمدی.

مشخصات نشر: کرج: نجم کبری، ۱۳۸۰

مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص؛ ۲۱/۵ در ۴/۵

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۹۹-۰۱-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: بالای عنوان: چهارپاره‌های ایام.

موضوع: چهارپاره‌های ایام.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry - ۲۰th century

رده‌بندی کنگره: PIR ۷۷۹۳

رده‌بندی دیویی: ۸۵۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۴۱۷۷۳



نام کتاب: رباعی ایام، ایام رباعی

سروده: دکتر کاظم مدنی

انتشارات: نجم کبری

لیتوگرافی: ناژو

چاپ و صحافی: ناژو

تیراژ: ۳۰۰

نوبت چاپ اول: ۱۳۹۹

بها: ۲۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۹۹-۰۱-۵

مقدمه

شعر را تین راستی که عنایتی الهی است، چه منطبق و موافق با نظم کیهان است. بی نظمی، حامه و سیاست و فرهنگ را از نظم شاعران می توان دانست. که شاعران افراد متعهد زمانه ی خویش اند. شاعران و امدار نظم کیهان و بخشش را دانند، و در این راستا نیز به کار ایزدی مفتخر و در جریان نظم حکری و انماعی کوشنده و جوشنده و بالنده اند. طبیعتاً مراد من از شاعران بیکاران و بیعارانی نیست که برای حاکمان و ظالمان در مدیحه و اعتلا شعر می سرودند تا از مایه ی ستم ایشان را صله ای واصل شود، که همان صلات ایشان را از صلات دور می کرد.

شاعری که مدیحه ی الله را نگوید و به ستایش الله مان چ از لاجرم خامه ی او در خدمت ستم واقع می شود، این است که اگر شعر عارفان که من به ایشان معتقدم، تفسیر است شعر شاعران مزد و تحریف سیر است. که عارفان شاعر و شاعران عارف از قرآن و خدا می گویند و نظم کیهانی را می ستایند و زمین را بر مدار نظم و عدالت می خواهند و آنان که شعرشان در خدمت ستم است؛ ستم را عدالت نشان می دهند و ستمگر را فرهیخته و دادگر. کافی است که به آثار بلند شاعران

صاحب معرفت و عارفان شاعر نظری با فراست بیانداریم تا این نگاه را در آنان به خوبی ببینیم. از فردوسی گرفته تا نظامی و سعدی و مولانا و سنایی و عطار و حافظ و دیگر مشاهیر ارزنده‌ی ایران.

شاعرانی که دل در گرو دین داشتند و خود نیز به قرآن و سنت خو کرده بودند نظمی کیهانی و عدالتی الهی و عکوی را مایل بودند، و همین معرفت و انطباق با کیهان ایشان را از نزدیک شدن به بی نظمی اجتماعی و حکومتی بر حذر می‌داشت. در ایران پیش از سال پنجاه و هفت نیز شاعران متعدّد به بی‌نظمی ناساز با نظم کیهانی معترض بودند و از فساد و تباهی دربار و درباری به نقد تند می‌گراییدند، و اکنون نیز از پس سالیان همان شاعران دردمند که بر مدار فهم عدالت خو کرده و بالیده بودند باز هیچ سستی را بر نمی‌تابند، ماهیت ستم ستیزی در درون هر مؤمن متعلّق به است، که خداوند خود ستم ستیز و ستم‌سوز است و بندگان خدا اگر ستم یزد نکنند از بندگی خداوند به دور خواهند بود. این است که شاعران در راه از عدل کیهانی، عدل الهی و از عدل علوی گفته‌اند و می‌گویند و خواهند گفت و همین است که شعر را بالنده و شاعر را ارزنده می‌سازد.

خوشبختانه ایران سرزمین شعر و شعور و شایسته زبان شعر نیز حکایت از موزونی و میزانی فکر و اندیشه دارد. این زبان فخر ایران و ایرانی است و در کمتر جایی از دنیا یافت می‌شود که چنین هنری با این استعلا وجود داشته باشد.

زبان شعر نیز زبانی است که می‌تواند هم حاکی دردهای شخصی باشد و هم حاکی و شاکی از دردهای ناساز و ناخواسته‌ی روزگار. می‌تواند به محکوم کردن فعل باطل قدم بردارد و هم می‌تواند در ستایش مردان خدا و افعال الهی و انسانی گرایش داشته باشد، تا آن که شاعر از کدام دست باشد، اهل تفسیر باشد یا از آنان که تف سیر را دنبال می‌کنند.

من نیز ارادتی و عنایتی به شعر داشته و همچنین دارم، هر چند که شاعر نیستم، و از توانائی‌های بالنده‌ی آنان نیز بالفعل چیزی در خود سراغ ندارم ولی هر از گاهی موزونی درون را به وزن می‌کشم و از میزانی فکری به اوزانی می‌پردازم تا از آنچه که در درون دارم اعم از یافته و دریافته چیزی را به فراخور به اهلش برسانم، اهلی را هم که منظور می‌دارم در درجه‌ی اول گوش هوش مریدان و شاگردان دانشگاه و مشتاقان معرفت است، در درجه‌ی دوم گوش هوش و گوش حقیقت‌نیوش تاریخ که این صدا و این صورت را به فردا می‌رساند، همچنان که شعر بزرگان دیروز را به فردایی که امروز است انتقال داده است و چون خوش می‌نگرم تاریخ را چقدر ژرف و عمیق می‌یابم که چه خاطراتی در نظر دارد و چه دیده‌ی وسیع و ژرفی که همه چیز را در خود حبس و ضبط کرده است که زمین در زمره‌ی تاریخی است که در آینده به حکم قامت، جل‌گویای داشته‌ها و نگهداشته‌های خود خواهد بود، که فرمود: «و اخرجت الأرض أثقالها. و قال الإنسان مالها. یومئذ تُحدّث أخبارها. بأن ربک رَحی‌الها».

رباعی‌آیام و آیام رباعی چهارپاره‌هایی است که از زمان گذشته تا کنون در دفترها و یادداشت‌ها و اوراق پراکنده و گاه در دست برخی از دوستان و شاگردان به یادگار بوده و نگهداری می‌شده است. گاه دردهایی از افراد روزگار است، و گاه نقدهایی بر افعال و افعال فاعلان و فاعلان اجتماعی و سیاسی و ادبی.

هر چند که من رسماً شاعر نبوده و نیستم، و چندان هم میل ندارم که به این عنوان شناخته شوم، ولی با این حال دفترهایی از شعر از دیرباز به نام این بنده به انتشار رسیده است. از مثنوی خم گلرنگ گرفته تا این اثر حاضر که در آن مفاهیم معرفتی زیادی را می‌توان ملاحظه کرد.

زمانی استاد ارجمند، جناب دکتر عبدالحسین زرین‌کوب که با این

۸ * رباعی ایام، ایام رباعی

بنده رابطه‌ی بسیار دوستانه و نزدیک داشت با در نظر داشتن اشعاری که هر از گاه از این راقم می‌دید و می‌شنید و یا «خود» مستقیماً برای او می‌خواندم و تعریف و تأیید می‌نمود بیان داشتند که چرا این اشعار را جمع نمی‌کنید و دیوانی و یا مجموعه‌ای را منتشر نمی‌کنید؟ و پاسخ من آن بود که بیشتر دوست دارم به عنوان پژوهشگر و اهل فلسفه و عرفان ادامه دهم تا شاعر، و با گذشت بیش از سی سال هنوز هم همان باور به قوت وجود دارد، ولی با این همه هرگز مرادم کم بها کردن شعر و شاعران بزرگ نیست که من خود همواره در اندیشه و فکر و امداد شاعران و ادیبان بزرگ و عارف بوده‌ام، همین که بیش از چهل سال است که به این تدریس مثنوی و تفسیر و شرح آن می‌پردازم نشانی بالنده از آن متوجه می‌تواند باشد. خاصه که در بعد از انقلاب شاید این بنده جزو نخستین کسانی بودم که اهتمامی جدی به تفسیر و «تدریس» مثنوی داشتم و حال آن که از «بسیاری» از مدعیان دین و مذهب، نیش‌های تند و کنایه‌ها و معایب را متحمل بودم، که مثنوی را که در نظر من تفسیری از قرآن و حدیث پیامبر بود و هست را کتابی کفر آمیز می‌دیدند و آن را باطل می‌دانند، که این باطل خوانی شیوه‌ی باطل ایشان بوده و هست.

خلاصه این که شعر شاعران عارف و شاعران صاحب معرفت همواره برای من ارزشمند بوده و هست و ایشان را از ستونهای معنوی این مرز و بوم دانسته و در گستردن دانش و معرفت ایشان نیز به هم خود می‌افزایم. تلاش باز نایستاده‌ام. فردوسی و سنایی و عطار و مولانا و حافظ که همواره از سوی متحجران بد دین و بد دینان متحجر مورد اعتراض بوده‌اند را گرانبها ترین اشخاص ارزنده‌ی ایران و اسلام و آثارشان را مفیدترین و اثربخش‌ترین در فکر و فرهنگ ایران و ایرانی قلمداد کرده‌ام.

باری، مجموعه‌ی حاضر که به نام رباعی آیام و آیام رباعی است حاصلی از حدود بیش از چهار دهه است که از زمانی پیش از سال ۵۷ و تا کنون را شامل می‌شود، در طول این همه سال که کار تدریس و تعلیم از سویی و کتابت و نوشتن از دیگر سو برای این بنده رقم خورده است همواره گویای مفاهیم نغز از زبان شاعران درد و دردمندان شاعر بوده است. در این مجموعه که از دل دفترها و اوراق کثیفی که پراکنده بوده جمع و در یکجا تدوین شده است، حکایت از این راکنندگی موضوع دارد، از نقدهایی بر ستم گذشته و جور اینک چیزهایی است، از سقوط انسانیت و از دست دادن شور و شرف در برخی میدان‌های حرام لقمگان نیز یادی هست تا مبدا احساس شود که خیانت از فکر بدمن‌نسان و تاریخ بیرون می‌رود، که نباید برود، و این درسی از قرن است که هم ستاینده‌ی ایمان و مؤمنان است و هم کوبنده و رسواساز ابلیس و کافران است. آنان که در فکر و فرهنگ سقوط کرده و دیگران را به انحطاط فکری و فرهنگی می‌کشند مگر می‌توان از آنان بی نقد و بی اعتنا عبور کرد و فعل قبیحشان را نادیده گرفت و فکر سخیفشان را مکتوب گذاشت.

آنان که مخرب فکر و فرهنگ‌اند، و باعث تحقیر و خوار شدن مردم جامعه‌اند، و به دین و مذهب مردم جسارت می‌کنند و به شرافت انسانی لطمه می‌زنند آیا باید بی نقد بمانند و نقدینه‌ها را که از این خیانت یافته‌اند را با خود حمایل سازند و به فخر و رشو و کافرانه بپردازند، و یا آنان که در حریم یار جور انسانی را کشیده‌اند در راه دین و انسانیت خود را وقف کرده و در راه خدا از آب و نان و نام گذشته‌اند نیز باید به فراموشی سپرده شوند؟ طبیعی است که این هر دو، هدایت شده و گمراه، خادم و خائن، مرد و نامرد، با شرف و بی-شرافت، ایرانی و ضد ایرانی، هر دو در منظر دید مردم و تاریخ حضور

دارند و هم چنان که تاریخ آنان را در حافظی دائمی خود ثبت می کند مردم نیز آنان را از یاد نمی برند و از فعل و اثرشان غافل نمی مانند و در این بین شاعران متعهد که از سویی مردمان نایند و برای زمانه چونان آب حیاتند و داننده ی اسرار و نکاتند، و از سویی سینه ی سینه ی گسترده ی تاریخ اند به سهولت از دیده ها و یافته ها عبور نمی کنند، که نباید هم عبور کنند، که شاعر راستین هم مادی فکر و کار و شخص نیست است و هم قادی فکر و کار و شخص زشت. که اگر این جنبه ی و آشوبندگی نباشد فرد نه یک شاعر بلکه کور و کوری است که نه خوبی را بیند و نه بدی و زشتی را. و آن که شاهد این دو باشد باید گریای حق و زبان حقیقت باشد، هر چند که گاه زبانهای حقیقت از سوی اجاس با حق کوتاه و در کام فروخته باقی می ماند، ولی جای شور و شوق است که تاریخ، خود شاعر و ناظم حقیقی و متعهدی است که چیزی از دنیا نافرماند، او نادیده نمی ماند و این دیده ها را همواره به روشنی آشکار می کند. عوشا کسی که از تاریخ شعر را بخواند و از شاعر تاریخ را.

امید است رباعی آیام و آیام رباعی با چه پویایی فکری مردم دردمند عجب و با چهارچوبه ی فکری شاعران متعهد ترین باشد. باشد که اهل خرد و حکمت روی خود را از این اثر نبوشند و وابسته ها را به شایستگی به صاحب قلم برسانند. شاکر خدا و خرد و شاعر بنده ی نیک و بد و دور از فضای دیو و دد این بنده ی دردمند در دستان خدای احد و صمد.

و هو الولی

کاظم محمدی

۱۳۹۸ خورشیدی